

ده سال پیش ارتش زاپاتیستی آزادیبخش ملی الهام بخش سازمان های چپ جهان بود. امروز این جنبش حتی در مکزیک نیز به شدت بحاشیه رانده شده است. برای درهم شکستن این انزوا بیانیه ای از جنگل های لاکاندونا به تمام دنیا صادر شده است: ارتش زاپاتیستی بعد از یک دهه مبارزه سیاسی برای شناسدن و احقاق حقوق خلق مایا در صدد بر آمده است تا مبارزات خود را با جنبش های کارگری در سراسر دنیا پیوند بزند. آیا این حرکت می تواند خون تازه ای در رگهای جنبش جاری سازد؟ اریک گوستاوسون از جنگل های لاکاندونا گزارش می دهد.

تلاش زاپاتیستها برای خروج از انزوا

اریک گوستاوسون

ترجمه ی بیتا منصوری

از هفته نامه " **Arbetaren** " (کارگر) شماره ۳۲ منتشره در تاریخ ۱۸-۱۲ اوت ۲۰۰۵ در سوئد

خبر اعلام آماده باش کامل نیروهای رزمنده چریکی که در اواسط ماه ژوئن توسط رهبری ارتش زاپاتیستی آزادیبخش ملی اعلام گردید باعث غافلگیری و تعجب جهانیان شد. در یک اعلامیه کوتاه از سازمانهای کمک رسانی و صلح بانان مردمی خواسته شد که مناطق تحت کنترل زاپاتیستها را ترک کنند. افراد غیر نظامی (اعضای ارگانهای خودمختار) زاپاتیستی به نقاط دیگر منتقل شدند، مراکز سیاسی که " حلزون زاپاتیستی " نامیده میشوند تعطیل گردیدند، و تمامی نیروهای ذخیره که در بیش از هزارها روستای منطقه از مبارزات زاپاتیستی حمایت می کنند به خدمت نظامی فراخوانده شدند.

هیچ دلیلی برای این آماده باش ناگهانی در اعلامیه ها عنوان نشد و بهمین دلیل در طول چند روز بعد از اعلام آماده باش، بازار پیشگوئی ها و تجزیه تحلیل های گوناگون در رسانه های عمومی داغ بود. بحث اصلی در مطبوعات این بود که آیا ارتش زاپاتیستی آزادیبخش برای بار دیگر بعد از سال ۱۹۹۴ در صدد دست زدن به یک تهاجم نظامی علیه نیروهای دولتی مکزیک است. دولت مکزیک با دستپاچگی و ترس و لرز باین فراخوان زاپاتیستها واکنش نشان داد. نیروهای نظامی دولتی به حالت آماده باش در آمدند، و دهها سازمان و روشنفکران چپ خطر یک حمله تعرضی نظامی را از جانب دولت علیه زاپاتیستها محتمل شمردند.

با این همه بعید به نظر می رسد که رئیس جمهور ویسنته فوکس که خود به شدت تحت فشار است به یک اقدام نظامی دست بزند. برای فوکس هدایت کشور به درون چنین پروسه ای ، یک سال پیش از انتخابات مجدد رئیس جمهور در سال ۲۰۰۶، برگ برنده ای محسوب نمی شود.

وضعیت متشنج حاکم با صدور اعلامیه ای از جانب مارکوس سخنگوی جنبش زاپاتیستی در ۲۱

ژوئن اندکی به آرامش گرائید. او در یک نامه سرگشاده اعلام کرد که جنبش قصد شروع مجدد " نبردهای تهاجمی" را ندارد.

گفته شد که آماده باش نظامی در مناطق زاپاتیستی تنها یک ابزار دفاعی احتیاطی ، برای تامین امنیت در برگزاری یک نظرخواهی درونی یا نوعی فراندوم بوده است. موضوع این فراندوم افشا نگردید، اما گفته شد که موضوع آن نقش تعیین کننده ای در آینده جنبش بازی خواهد کرد .

زاپاتیستها سنت بسیار دیرینه ای از اعمال دموکراسی مستقیم دارند. در موقعیت های بسیاری رهبری زاپاتیستها تصمیم گیری راجع به مسائل مهم بنیادی جنبش رامنوط به رای ساکنان روستاهای زاپاتیستی نموده اند. آنها هم چنین دوگونه از شوراهای ملی ، با حمایت و پشتیبانی سازمانهای گوناگون ، در جوامع مدنی(غیر نظامی) در مکزیک تشکیل داده اند. در آخرین نوع شوراها که در سال ۱۹۹۹ ایجاد گردیده بیش از ۳ میلیون مکزیکی شرکت کرده اند.

زاپاتیستها در ۲۶ ژوئن نتیجه نظرخواهی درونی خود را اعلام کردند. بیش از ۹۸ درصد از زنان و مردان بزرگسال ساکن روستاها از پیشنهاد جدید پشتیبانی کرده اند و رای مثبت داده اند، در حالیکه تنها کمتر از ۲ درصد رای منفی داده اند.

ممکن است ارقام داده شده شبیه به نتیجه همه پرسی در یک نظام تک حزبی بنظر بیاید . اما درست بر عکس، نتیجه این همه پرسی را بایستی درارتباط باچهار سال کار بی وفقه و مداوم سیاسی زاپاتیستها توضیح داد. اینکه چنین تعداد زیادی به این فراندوم رای مثبت داده اند نشان میدهد که تصمیم اتخاذ شده به خوبی مورد بحث بررسی قرار گرفته است.

موضوع نظرخواهی مربوط می شد به آینده سیاسی جنبش. خطوط اصلی سیاست زاپاتیستها بعد از سال ۱۹۹۴، سالی که زاپاتیستها با دولت مرکزی مکزیک وارد مذاکرات شده بودند، با اثبات هویت و احقاق حقوق خلق بومیان مکزیک پیوند خورده بود، خط مشی ای که مهمترین خواسته اش بهبود سطح زندگی خلقهای بومی بوده است.

پیش گرفتن چنین سیاستی از جانب زاپاتیستها بسیار معقول بنظر می رسد، زیرا که اکثریت بسیار عظیم اعضای این جنبش را خلقهای بومی و به بیان دقیق تر بومیان مایا ، که از ۵۰۰ سال پیش زمانی که اسپانیا ئیها این سرزمین را به تصرف خود در آوردند بصورت وحشیانه ای مورد ستم نژاد پرستانه قرار گرفته اند، تشکیل میدهند.

این بخش از مبارزه ی زاپاتیستها که غالبا برای مثال تجسم مبارزه دهقانان فقیرانگاشته می شود نتیجه آن نوع مبارزات طبقاتی است که در دهه ۱۹۹۰ رنگ و بوی مبارزات قومی به خود گرفته اند.

استراتژی تحقق هویت بومی به آن درجه موفقیت آمیز بوده است که ۱۰ تا ۲۰ میلیون نفر از خلق

بومیان از خواسته های جنبش به حمایت پرداخته اند. اما از طرف دیگر زاپاتیستها در تمام این سالها با نهایت وضوح اعلام داشته اند که هدف آنها از مبارزه رهائی تمامی انسانها صرف نظر از رنگ پوست و زبان آنها می باشد. مارکوس سخنگوی جنبش زاپاتیستی در زمره اولین افرادی بوده است که به تجزیه و تحلیل پدیده جهانی شدن پرداخته است و آنرا " جنگ جهانی چهارم " نامیده است.

به دلیل آنکه جنبش بخش عمده مبارزه را در جهت احقاق حقوق خلقهای بومی سازمان داده است ، اتحادیه ها و دورگه های فقیرساکن شهرها به آن درجه ای که زاپاتیستها انتظار داشته اند باین جنبش نپیوسته اند.

وقتی که قرار داد صلح در آوریل ۲۰۰۱ با بحران مواجه شد زاپاتیستها را مجبور به تجدید نظر در خطوط اصلی سیاست اشان نمود. وقتی حزب PAN تحت رهبری رئیس جمهور ، فوکس، با حمایت احزاب دیگر در کنگره توانست مفاد بیمان صلح منعقد در سال ۱۹۹۶ را کاملاً از محتوایش خالی سازد و آنرا به تصویب برساند، باعث سرخوردگی و دلسردی گسترده ای در بین اعضای جنبش گردید که میدیدند نتیجه راه پیمائی چندین هفته ای کاروان شأن انسانی شان به نتایج سیاسی ای که آنها انتظارش را داشته اند دست نیافته است.

قانونی که به تصویب رسید حتی موجودیت شهرداری های خودمختار زاپاتیستی را به رسمیت نشناخت.

از این پس، جنبش راه خود را پیش گرفت و با برپائی و سازمان دادن جوامع مدنی خویش در مناطق خود مختار رشد و تکامل خویش را آغاز نمود. این "بخشدارای های خودمختار" شهرداری های بدیلی هستند به موازات شهرداری های دولتی و مدیریت این کار به دست افراد غیرنظامی است که توسط اهالی روستاهای منطقه انتخاب میشوند. شهرداریهای خود مختار از طریق ارائه خدمات اولیه بهداشتی و آموزشی و مهمتر از همه عدم حضور سیاستمداران فاسد و رشوه گیر در آن، توانسته اند حمایت بخش عظیم جمعیت فقیر این مناطق را جلب نمایند. در سال ۲۰۰۳ با ایجاد «شورای دولت خوب» منطقه ای بر قدرت و اعتبار این شهرداری ها افزوده شد.

پیشنهادی که در جریان همه پرسی به تصویب اهالی روستاهای مناطق زاپاتیستی رسیده است نتیجه مباحثات درونی است در باره دستاوردهای راه پیمائی کاروان شأن انسانی در سال ۲۰۰۱ به مکزیکو سیتی ، که با وجود انعکاس همه جانبه آن در مطبوعات جهانی چندان قرین توفیق نبوده است. نتیجه نهائی این مباحثات این شد که مبارزه برای احقاق حقوق خلقهای بومی برای پیروزی کافی نیست. بهمین دلیل آماده کردن شرایط برای گسترش جنبش در دستور روز قرار گرفته است. تاکید بر مسئله قومی با احتمال زیاد تعدیل خواهد شد.

فرماندهی کل ارتش آزادیبخش ملی - کمیته مخفی انقلابی بومیان، در بخشهایی از " ششمین بیانیه از جنگل های لاکاندونا " مینویسند:

بر اساس مشاهداتمان و آنچه قلبهایمان بما میگویند جنبش در این مقطع زمانی به مرحله ای پا گذاشته است که اگر دست به اقدامی نزنیم امکان دارد که تمامی دستاوردهایمان را از کف بدهیم . زمان آن رسیده است که گامی پرخطر اما الزامی برداریم. شاید ما همگی با هم، همراه با دیگر سازمانهای فعال اجتماعی، کسانی که از فقدان همان حقوقی رنج می برند که ما، به آنچه که حق ماست و درخور شأن انسانی همگی ماست دست یابیم .

برداشتن گام تازه ای در راه مبارزات خلقهای بومی به شرطی ممکن می باشد که خلقهای بومی با کارگران، دانشجویان، آموزگاران و کارمندان و..... تمامی آنهایی که در شهرها و روستا ها بکاری اشتغال دارند..... همگام شود.

زپاتیسستها در این بیانیه که به تازگی منتشر شده است از سیستم سرمایه داری وحشی که در پوشش جهانی کردن در حال گسترش به سراسر کره زمین می باشد، اعلام انزجار می کنند. اقدام مشخص جنبش طی چند ماه آینده، فرستادن رهبری جنبش به یک گشت سیاسی در داخل کشور خواهد بود - ایده ای که بنظر می رسد همانند ایده راه پیمائی کاروان شأن انسانی در جهت احقاق حقوق خلق بومیان در سال ۲۰۰۱ باشد.

این بار هدف زپاتیسستها مذاکره با مجلس نمایندگان مکزیک نمی باشد بلکه آنها مصمم هستند که متحدین خود را در سازمانها و اتحادیه های موجود در سراسر کشور جستجو کنند و با آنها پیمان اتحاد ببندند . این است آنچه کارزار " (کمپین) kampanj " نامیده میشود. بدین طریق رشد جنبش تضمین شده و خواسته های آن از اهمیت بیشتری برخوردار خواهد شد.

کمتر از یکسال به انتخابات مجدد رئیس جمهور باقی مانده است، احزاب سیاسی رسمی تماما سرگرم جنگ قدرت برای به پیروزی رساندن کاندیداهای خود می باشند. زپاتیسستها پیشاپیش تمام احزاب سیاسی موجود را فاقد صلاحیت دانسته اند. حتی شهردار محبوب مکزیکوسیتی ، مانوئل لوپز ابرادور، مورد انتقاد شدید از جانب مارکوس قرار گرفته است، او گفته است که باوری به ادعاهای ابرادور مبنی بر اجرای طرحهایی در جهت بهبود اوضاع اجتماعی کشور ندارد.

رئیس جمهور فعلی مکزیک ، ویسنته فوکس ، که قبل از رسیدن به ریاست جمهوری مدیر عامل کارخانه کوکا کولا در مکزیک بوده است و موفق شد حکومت ۷۰ ساله حزب PRI را شکست دهد، با وجود حزب راست محافظه کار حامی اش PAN که در مجلس اقلیت را دارد و روبرو شدن با مخالفت و اعتراض های زیادی در دوره ریاست جمهوری خویش موقعیت تضعیف شده ای دارد.

فوکس موفق نشده است به بسیاری از وعده های اصلاحات سیاسی که به خاطر آنها در سال ۲۰۰۰ به قدرت رسید جامه عمل بپوشاند. احزاب PRI و PRD با ایجاد پیوندی نامقدس توانستند نقشه فوکس را برای بازگذاشتن امکان سرمایه گذاری خارجی در صنایع نفت متوقف نمایند و بودجه کشور را با بالابردن مالیات بر مواد غذایی و داروئی تامین نمایند. به نظر میرسد که حزب PRI زیرکانه چنین سیاستی را دنبال نموده تا مجدداً بازگشت این حزب را به قدرت امکانپذیر نماید. پیروزی کاندیدای این حزب در انتخابات اخیر فرمانداری در مکزیکوسیتی، پایتخت مکزیک، برگ برنده ای برای این حزب در انتخابات ریاست جمهوری محسوب میشود.

کاندیدای احتمالی ریاست جمهوری، روبرتو مادرانو، که یک جنگ طلب آموزش دیده بر اساس ارزش های سیاسی کهنه می باشد و اگر او برنده ی این انتخابات شود خطر درگیری های مسلحانه و جنگ داخلی در مکزیک محتمل است.

همزمان، فوکس که در لفاظی استعداد کمی ندارد، نهایت تلاشش بر اینست که راه را برای انتخاب همسرش، مارتا ساهاگون، به عنوان رئیس جمهور آینده مکزیک هموار سازد که قرار است به عنوان کاندیدای حزب PAN معرفی شود.

استراتژی فوکس در چهار ساله اخیر بی اهمیت شمردن ناآرامی ها در منطقه ی چیاپاز بوده و طوری عمل کرده است که گویا در این گوشه دوردست هیچ اتفاقی نیفتاده است. رئیس جمهور در محاسبات خود به این نتیجه رسیده است که از جانب زاپاتیستها تهدید نظامی جدی متوجه دولت نخواهد بود.

ارتش پایگاههای موجود خود را کماکان در منطقه حفظ کرده و در بعضی مناطق حتی آن را تقویت نموده است. نیروهای شبه نظامی هم چنان مسلح بوده، اگر چه از عملیات مسلحانه خود تا حدودی کاسته اند.

آمار دقیقی از تعداد افراد ارتشی در چیاپاز در دست نیست، اما ارتش اعلام کرده است که بزرگترین بخش نیروی نظامی خود را در این منطقه مستقر نموده است. کل دستگاه سرکوبگر ارتشی در چیاپاز به حضور خود ادامه میدهد.

صرفنظر از اینکه چه کسی در انتخابات ریاست جمهوری سال آینده پیروز شود، جذبش زاپاتیستی به تقویت موقعیت خود در مکزیک و به همان میزان در سطح بین المللی نیاز دارد. هاله نورانی ای که در آغاز هزاره سوم مارکوس را احاطه کرده بود کم سو تر گردیده، هم چنانکه جنبش تا حدودی نقش خود را بعنوان مرکز ثقل جنبش چپ جهانی برای عده ای از دست داده است.

موضع گیری زاپاتیستها علیه احزاب رسمی موجود در مکزیک، خصوصاً PRD، بعد از سال

۲۰۰۱، سبب به حاشیه رانده شدن جنبش در مباحثات بین این احزاب در درون کشور گردید. به همین دلیل امکان اینکه زاپاتیستها بتوانند از طریق ابتکار جدیدشان بدیل قابل قبولی ارائه دهند که بتوانند مانند گذشته مجموع نیروهای چپ را حول خود گرد آورند مشکل می نماید.

آنچه به نفع جنبش زاپاتیستی دلالت می کند این است که زاپاتیستها بارها نشان داده اند که ظرفیت آن را دارند که به سازمان دادن نمایش های قدرتمند سیاسی با شکوه بپردازند، که از جمله "zapatouren" تور زاپا" به مکزیکوسیتی از آخرین نمونه های آن می باشد.

جنبش هم چنان از حمایت گسترده ای در منطقه چیاپاز برخوردار است و رهبری جنبش از آنجا که دهها هزار نفر از فقیرترین افراد خلقهای بومی را نمایندگی میکند از اتوریته اخلاقی پراهمیتی برخوردار است. اما خطر اینکه کارزار یا "کمپین" پائیزی نیز به یک نمایش سیاسی بدون دست آورد های قابل ملاحظه و نتایج مشخص سیاسی تبدیل شود نیز وجود دارد.

ماجرای هنگامی واقعا جالب توجه خواهد شد که زاپاتیستها موفق شوند با تعدادی از اتحادیه های مستقل و حتی شاید با دیگر سازمانهای مردمی در مکزیک پیوند اتحاد برقرار نمایند. آزمون است که باردیگر بحث جنبش زاپاتیستی در بین این احزاب بالا بگیرد.

در بخشهایی از "ششمین بیانیه از جنگل لاکندونا" گفته میشود که هدف از بسیج پائیزی دست یافتن و ایجاد یک پلاتفرم سیاسی مشترک با دیگر سازمانها بوده تا زمینه طرح پیشنهادهای برای یک اساسنامه جدید مهیا گردد. در مکزیک که تمام احزاب رسمی موجود بی هیچ گونه شرمی سعی در جلب حمایت تمام این سازمانها با وعده کمکهای اقتصادی و خدمات از نوع دیگر در ازای پیروزی انتخاباتی خویش دارند، پیمودن این راه در حرف آسان مینماید و در عمل بسیار مشکل. اگر زاپاتیستها بتوانند از خواسته های عمومی بحق بشریت برای عدالت، برابری و دموکراسی منشوری آنچنان فصیح و روشن بیافرینند که طنین نوین و دگرگونه ای دارا باشد، بدین وسیله جنبش توان تازه ای به همه کسانی که برای دنیائی بهتر مبارزه مینمایند خواهد بخشید.

اریک گوستاوسون روزنامه نگاری ست مستقل که با روزنامه ی صبح سوئد Dagens Nyheter همکاری دارد. او قبلا نوشته های مارکوس را تحت عنوان "از کوهستانهای جنوب شرقی کوه های زیرزمینی مکزیک" (در مجله "جبهه کلام" "Ord front") در سوئد منتشر کرده است.